

## **The Pathology of the Social Ethics of the Islamic Society and Its Solutions, Based on Surah Al-Baqarah**

Sayyid Kazem Sayyid Baqeri<sup>1</sup>

Batoul Molla Shafi'ei<sup>2</sup>

Received: 25/09/2020

Accepted: 14/02/2021

### **Abstract**

The main question of this paper is what are the harms of social ethics related to Surah Al-Baqarah and what solutions have been proposed to get out of them. The hypothesis emphasizes that by referring to the verses of Surah Al-Baqarah, it can be seen that the main moral harm in the Islamic society of Medina in the process of formation is breaking the covenant, which has caused various other moral damages such as prejudice, stubbornness, corruption, disobedience to the leader, immorality, and disharmony. Therefore, Allah Almighty in the process of revelation of verses, step by step and gradually sought to identify those harms and has stated strategies such as remembering divine blessings, patience, saying prayer, charity and spreading piety in Islamic society to find their solutions. In this process, it has been tried to introduce the grounds for the formation of harms, their identification, and their solutions, and finally provide the initial steps of the Islamic society to move towards an ideal society. The findings suggest that breaking the covenant can lead to various moral harms in the personal, political, and social arena, including disharmony and violation of the order of the leader of the Islamic society. This research has been carried out through a descriptive-analytical method.

### **Keywords**

Pathology, social ethics, Islamic society, breaking the covenant.

---

1. Associate Professor, Department of Politics, Institute of Islamic Culture and Thought. sbaqeri86@yahoo.com

2. PhD Student in Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University of Kashan, Iran (Author in charge) n.shafii82@gmail.com

---

\*. Sayyid Baqeri, S. K. & Molla Shafi'ei, B. (2021). The Pathology of the Social Ethics of the Islamic Society and Its Solutions, Based on Surah Al-Baqarah, Quarterly Journal of *Islam and Social Studies*, 8(31), pp. 121- 148. Doi: 10.22081/jiss.2021.58933.1704

---

## آسیب‌شناسی اخلاق اجتماعی جامعه اسلامی و راه‌های برون‌رفت از آن بر اساس سوره بقره

سید کاظم سید باقری<sup>۱</sup>      بتول ملاشفیعی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۴      تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۶

### چکیده

دغدغه اصلی این مقاله آن است که آسیب‌های اخلاق اجتماعی ناظر به سوره بقره چه بوده و برای برون‌رفت از آنها چه راهکارهایی پیشنهاد شده است. در فرضیه بر این امر تاکید شده است که با رجوع به آیات سوره بقره می‌توان دریافت که عمده‌ترین آسیب اخلاقی در جامعه اسلامی مدینه در فرایند شکل‌گیری آن، عهدشکنی بوده که آسیب‌های اخلاقی متفاوت دیگری مانند تعصب، لجاجت، فسادورزی، عدم اطاعت از رهبر، فسق و نفاق را در پی آورده است. لذا خدای متعال در روند نزول آیات، گام به گام و به تدریج در پی شناسایی آن آسیب‌ها برآمده و راهکارهایی مانند تذکر و یادآوری نعمت‌های الهی، بردباری، برپایی نماز، انفاق و گسترش تقوا در جامعه اسلامی را برای برون‌رفت از آنها بیان کرده است. در این روند تلاش شده است تا زمینه‌های شکل‌گیری آسیب‌ها، شناسایی آنها، و راه‌های برون‌رفت از آنها معرفی شود و در نهایت گام‌های آغازین حرکت جامعه اسلامی به سمت جامعه مطلوب فراهم گردد. یافته‌های تحقیق نشان از آن دارد که عهدشکنی می‌تواند به آسیب‌های اخلاقی متفاوتی در عرصه فردی، سیاسی و اجتماعی، از جمله نفاق و تخلف از دستور رهبر جامعه اسلامی منجر شود. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته است.

### کلیدواژه‌ها

آسیب‌شناسی، اخلاق اجتماعی، جامعه اسلامی، پیمان‌شکنی.

۱. دانشیار گروه سیاست، پژوهشکده نظام‌های اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران.

sbaqeri86@yahoo.com

۲. دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی کاشان، ایران (نویسنده مسئول). n.shafii82@gmail.com

\* سید باقری، سید کاظم؛ ملاشفیعی، بتول. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی اخلاق اجتماعی جامعه اسلامی و راه‌های برون‌رفت از آن، بر اساس سوره بقره، فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، ۸(۳۱)، صص ۱۲۱-۱۴۸.

Doi: 10.22081/jiss.2021.58933.1704

## درآمد

یکی از راه‌های سعادت انسان، نهادینه کردن اخلاق نیک در اجتماع است. دستورهای قرآن کریم و سنت نبوی، به‌ویژه پس از تشکیل دولت در مدینه، در پی طراحی و مهندسی جامعه‌ای است که در آن اخلاق نقش بازی کند. اما واقعیت‌های تاریخی صدر اسلام بیان می‌کند که جامعه مدینه با آسیب‌هایی اخلاقی مواجه بوده است، لذا در قرآن کریم تلاش می‌شود تا در فرایندی گام‌به‌گام، روش‌های گذار جامعه به وضعیت مطلوب را طراحی کند؛ جامعه‌ای که بر پایه عدل، احسان، عفت، فروتنی، صدق، امانت، وفاداری، مروت، میانه‌روی و تعاون باشد.

بنا بر قول مشهور، سوره بقره، اولین سوره نازل شده در مدینه و آغازین مرحله شکل‌دهی جامعه دینی است. بر اساس آیات اولیه سوره بقره می‌توان دریافت که در مکه، مردم به سه گروه متقی، کافر و بیمار دل تقسیم شدند. متقیان در این جامعه با داشتن ویژگی‌های گزارش شده در آیات ابتدایی سوره بقره (ایمان به غیب، اقامه نماز، ایتاء زکات، یقین به آخرت، ایمان به پیامبر و کتب نازل شده پیشین)، پایه اصلی تحول اخلاقی جامعه مدینه هستند؛ مسیری که باید با حرکت مردم بر پایه میثاق‌های الهی شکل بگیرد تا زیرساخت اصلی این جامعه گردد. با توجه به محتوا و غرض سوره درمی‌یابیم که این سوره درصدد رفع اولین آسیب‌ها در مرحله جدید از تحول جامعه اسلامی است که با شناسایی و رفع آنها می‌توان به رصد گام‌های بعدی جامعه‌پردازی پرداخت و ملاحظه کرد که چگونه جامعه برای ورود به گام‌های بعد آماده می‌گردد.

مقصود سوره بقره را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: تعیین شاخصه‌های ایمان در شرایط جدید حضور مسلمانان در مدینه، و برخورد با آسیب‌های اخلاق اجتماعی. خدای متعال در این سوره متقیان را که پایه گذار جامعه دینی صدر اسلام در یشرب شدند، با برخی از مهم‌ترین احکام آشنا کرد و ضمن آسیب‌شناسی رفتار متدینان گذشته از جمله ابلیس و اهل کتاب، برای پایداری بر کلیت و هویت واحد دینی و اسلامی راهنمایی کرد و درباره هرگونه نقض پیمان و تفکیک بین احکام و برخورد گزینشی با آنها هشدار داد (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۳۸۲).

این نوشته در پی بررسی آسیب‌های اخلاق اجتماعی در جامعه اسلامی و راه‌های برون‌رفت از آن بر اساس سوره بقره است، تا چالش‌های اخلاقی که به تناسب پیشرفت و شکل‌گیری جامعه اسلامی پدید می‌آید شناسایی گردد و راهکارهای آن ارائه شود. سؤال اصلی آن است که آسیب‌های اخلاق اجتماعی و عوامل آن چه بوده و این سوره برای برون‌رفت از آن آسیب‌ها چه راهکارهایی را پیشنهاد داده است. در پاسخ، بر این فرضیه تأکید شده است که با رجوع به آیات قرآن کریم در سوره بقره درمی‌یابیم که عوامل و زمینه‌های آسیب‌زای اخلاق اجتماعی را باید در مواردی چون کفر، بیمار دلی و نفاق جستجو کرد که به آسیب‌هایی متفاوت منجر شده که عمده‌ترین آن پیمان‌شکنی بوده و در پی آن، تعصب، لجاجت، فسق، نفاق و عدم اطاعت از رهبری نیز آمده است و برای رفع آنها، راهکارهایی مانند یادآوری نعمت‌های الهی، صبر و بردباری، اقامه نماز، انفاق و تقوا به مسلمانان یاری می‌دهد تا گام‌های آغازین برای شکل‌گیری جامعه مطلوب اسلامی و حرکت به سوی عدالت و سعادت فراهم آید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر اساس آموزه‌های قرآن، در جامعه مدینه، حرکتی دقیق و سنجیده انجام داده است تا در پرتو آموزه‌های الهی، جامعه قبیله‌ای و ارزش‌های آن را دگرگون کرده و آن را از باورهای نادرست گذر دهد. این امر با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

## ۱. بیان مفاهیم

### ۱-۱. آسیب‌شناسی اخلاقی

منظور از آسیب یا آفت در مسائل اجتماعی، ظهور عیب و نقص و خروج از وضع طبیعی و پیدایش تباهی است؛ چنان‌که آسیب و آفت، به معنای عامل تباه‌کننده‌ای است که به چیزی اصابت کند: «الْأَفْعُ عَرَضٌ مُّفْسِدٌ لِّمَا أَصَابَ مِنْ شَيْءٍ» (فرایدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۹۰). آسیب‌شناسی<sup>۱</sup> مشاهده عوارض بیماری، تکاپو برای یافتن ریشه‌ها، تشخیص و درمان بیماری است. در این فرایند، به چرایی بازماندن یک سامانه از عملکرد صحیح خود

1. Pathology

پرداخته می‌شود (مساواتی آذر، ۱۳۸۱، ص ۳). در لغت آمده است که فساد، ضد و نقیض صلاح است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۲۳۱) و مفسده، خلاف مصلحت است (ابن‌منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۳۵). در فساد، آشفتگی در نظم و خروج از اعتدال اشیاء به وجود می‌آید، حال، اخلال یا در نظم تکوینی است، مانند قتل، ظلم، کفر، جنگ با اهل حق و ضایع کردن حقوق دیگران، یا در تشریحات است، مانند افساد و اخلال در احکام الهی و مقررات اسلامی (ر.ک. مصطفوی، ۱۳۷۵، ج ۹، ص ۸۵).

## ۲-۱. اخلاق اجتماعی

اخلاق، جمع خُلُق و خُلُق است، به معنای سرشت، خوی، طبیعت و امثال آن که به معنای صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی به کار می‌رود که با بصیرت درک می‌شود؛ در مقابل خُلُق که به صورت ظاهری انسان گفته می‌شود که با چشم قابل رؤیت است (ابن‌منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۸۵). رایج‌ترین کاربرد اصطلاحی اخلاق در بین فیلسوفان مسلمان عبارت است از صفات و هیئت‌های پایدار در نفس که موجب صدور افعالی متناسب با آنها به‌طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۳۹). اخلاق اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهای مربوط به فضائل و رذایل دانست که هدایت‌کننده منش‌ها، روش‌ها، رفتارها، گفتارها و کردارهای حاکمان و شهروندان است.

## ۲. تمهید نظری

آنچه در این نوشته دارای اهمیت است، فهم حرکت جامعه اسلامی مدینه از نقطه نامطلوب به مطلوب و از آسیب‌های اخلاقی به سوی فضیلت‌ها است. این روند، طبعاً باید در چارچوب و قالبی پیگیری شود که بتواند آن را توضیح دهد. در نگرشی کلی می‌توان برای فهم بحران‌ها، آسیب‌ها و راه‌های برون‌رفت از آنها در هر جامعه‌ای چهار مرحله را شناسایی کرد:

الف. زمینه‌های شکل‌گیری آسیب‌ها و مشاهده بحران (ر.ک: اسپریگنز، ۱۳۸۹، صص ۳۹، ۵۴).

ب. شناسایی آسیب‌های آن جامعه (ر.ک: اسپریگنز، ۱۳۸۹، ص ۸۱).

ج. راه‌حل‌ها و راه‌های برون‌رفت از آنها (ر.ک: اسپریگنز، ۱۳۸۹، صص ۸۰، ۱۱۹).

د. بازسازی جامعه مطلوب (ر.ک: اسپریگنز، ۱۳۸۹، ص ۱۵۸).

هر آسیبی که در جامعه به وجود می‌آید، ناشی از زمینه‌ها و عواملی است؛ این عوامل را در جامعه اسلامی مدینه می‌توان در مواردی چون کفر، بیمار دلی و نفاق جستجو کرد. به‌طور مشخص، نفاق در جامعه مدینه ظهور کرد که پای منافع و قدرت و ثروت در میان بود، درحالی‌که در مکه مرزها شفاف بود و افراد در دو طیف ایمان و کفر قرار داشتند. به‌واقع، با وجود هر یک از آن رذیله‌ها بستری فراهم شد تا جامعه دچار آسیب‌هایی گردد، لذا شناسایی آسیب‌های برآمده از آن عوامل در مرحله دوم انجام می‌شود. در مدینه عمده‌ترین آسیب اخلاقی، پیمان‌شکنی بود که آسیب‌های متفاوتی از آن زاییده شد. در مرحله سوم، تلاش می‌شود تا راهکارها و راه‌های برون‌رفت از آن آسیب‌ها و معضلات ارائه گردد که آنها را می‌توان در مواردی چون یادآوری نعمت‌های الهی، وفاداری به پیمان، تقوا، انفاق مال و صبر و نماز نام برد. در مرحله چهارم برای آنکه جامعه اسلامی راه خویش را گم نکند و به سوی جامعه مطلوب هدایت شود و در جهت آن گام بردارد، تلاش می‌شود تا این جامعه برای مسلمانان بازسازی شود و برای آنان بیان گردد که اگر آن آسیب‌ها برطرف شود و جامعه اسلامی از آن بد اخلاقی‌ها پاک شود، چه جامعه‌ای در انتظار آنان است.

### ۳. زمینه‌های آسیب‌زای اخلاق اجتماعی در سوره بقره

پس از آنکه پیامبر گرامی اسلام ﷺ از مکه به مدینه هجرت کردند، روند حوادث دگرگون شد و دولت اسلامی با رهبری آن حضرت تشکیل شد؛ امری که مسائلی جدید را پیش روی جامعه اسلامی قرار داد.

در سوره‌های مدنی که با نزول سوره بقره شروع شد، اوضاع تغییر می‌کند. در این

زمان قطب حاکم جامعه را مؤمنان تشکیل می‌دهند و قطب‌های مخالف و غیراسلامی در اندک هستند. جامعه دینی حاکم به قوانینی برای اداره خود و نهادسازی‌هایی مطابق با شرایط جدید نیاز دارد. جامعه باید در تعامل با دیگر اقلیت‌ها راهنمایی شود؛ جامعه‌ای که در آن آسیب‌های اجتماعی یا تهدیدهای داخلی و خارجی بروز می‌کند» (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۳۸۸).

### ۳-۱. کفر

در مقابل متقین، پروردگار از سه گروه دیگر که زیر بار دعوت اسلامی نمی‌روند سخن می‌گوید که در برابر متقین و مردم مسلمان مدینه حضور دارند. یکی از بسترهای انحطاط اخلاقی که زمینه بسیاری از آسیب‌ها شد کفر بود. کافران بر سر لجاجت خویش‌اند، و خدا آنان را اینچنین معرفی می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْتَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ؛ کسانی که کافر شدند، برای آنان تفاوت نمی‌کند که آنان را بترسانی یا ترسانی، ایمان نخواهند آورد» (بقره، ۶).

سپس در آیه بعد بیان می‌کند که بر قلب، گوش و چشمان آنان، مهر خورده شده است: «حَتَّمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً؛ خدا بر دل‌ها و گوش‌های‌شان مهر نهاده، و بر چشم‌های‌شان پرده‌ای است» (بقره، ۷).

یهودیان بر ناتوانی خود از درک و فهم معارف اسلامی اعتراف می‌کنند: «وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ؛ یعنی قلب‌های ما دارای حجاب است» (بقره، ۸۸). یهودیان عصر بعثت بر ناتوانی خویش از درک معارف اسلام معترف بودند (ر.ک. هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱، صص ۲۲۶-۲۲۵).

با این ویژگی‌ها، خدا اولیای کفار را طاغوت معرفی می‌کند که آنها را از نور به سوی تاریکی‌ها می‌برد: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» (بقره، ۲۵۷). ویژگی این افراد تعصب، لجاجت، بهانه‌سازی‌های بی‌پایه و نگاه قبیله‌ای و گروهی است، لذا وقتی به آنان گفته می‌شود که ایمان آورید، می‌گویند ما

تنها به توراتی که بر ما نازل شده است، ایمان داریم (بقره، ۹۱). همه این پستی‌ها و رذالت‌های اخلاقی از بستر کفر به وجود می‌آید و پیامدهای سیاسی-اجتماعی ناخجسته‌ای به دنبال می‌آورد.

### ۲-۳. بیماردلی

جریان دیگر، بیماردلی است که خدا آن را به تفصیل معرفی می‌کند. منافقان و بیماردلان دو دسته‌اند که بین آنها نسبت عموم و خصوص مطلق است؛ هر منافقی بیماردل است، اما هر بیماردلی منافق نیست. تفاوت آن است که بیماردلان کسانی‌اند که از ابتدای حرکت‌های دینی با آن همراه می‌شوند، ولی انگیزه‌های درستی ندارند، برای بهره‌گیری و فرصت‌طلبی نقشه می‌کشند و مواضع دشمن را تکرار می‌کنند. تشخیص این گروه دشوار است. اما منافقان به دلیل ترس و گاه طمع، اظهار همراهی با مؤمنان می‌کردند، و بیشترین نقش را در ایجاد هرج و مرج و شبهه‌افکنی بین مسلمانان دارند (ر.ک: بهجت‌پور، ۱۳۹۷، ص ۱۸). نشانه‌ها و ویژگی‌های بیماردلان، دروغ‌گویی، فریبانه‌دانستن دین و نبوت، و ساده‌اندیش‌دانستن مؤمنان، انفعال در برابر دشمن و ابراز همراهی با آنان و خوانش نادرست از صلاح و فساد است (بهجت‌پور، ۱۳۹۷، صص ۱۵۰-۱۳۴) و نشانه‌های منافقان، اظهار مزورانه و دروغین ایمان به اسلام، اعلام نارضایتی، نپذیرفتن حکم رهبر جامعه اسلامی، ترس از دست‌دادن جان و مال و موقعیت اجتماعی است (ر.ک. بهجت‌پور، ۱۳۹۷، صص ۱۶۹-۱۵۶).

خدای متعال قلب‌های آنان را در بیماردلی به سنگ تشبیه می‌کند:

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَقَّقُ فِيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ؛ سپس دل‌های شما بعد از آن سخت شد، مانند سنگ یا سخت‌تر؛ زیرا پاره‌ای از سنگ‌ها است که از آنها نهرها می‌جوشد، و پاره‌ای از آنها می‌شکافد و آب از آن بیرون می‌آید، و پاره‌ای از آنها از ترس خدا سقوط می‌کند (بقره، ۷۴). اما



دل‌های آنها از سنگ‌ها نیز سخت‌تر است، نه چشمه عواطف و علمی از آن می‌جوشد و نه قطرات محبتی از آن تراوش می‌کند و نه هرگز از خوف خدا می‌تپد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۰۶).

بیماردلی، عواطف و چشمه‌های فهم و احساس را می‌میراند و فرد گرفتار را از اخلاقیات دور می‌سازد. فکر و نگاه این‌گونه افراد، مسائل را نادرست تحلیل می‌کند. بر دل‌های بیمار مهر می‌خورد و بر چشم‌های‌شان پرده‌ای از ظلمت فرو می‌افتد (بقره، ۷) و در واقع، از حوزه انتفاع و سودرسانی به خود و دیگران جا می‌ماند، بلکه حتی آسیب‌رسان می‌شود. این دل‌های دربسته و دور شده از نور الهی، به لجاجت و خودخواهی و سودپرستی می‌انجامد و گام به گام به سوی ارتکاب رفتارهای خلاف‌اخلاق، و در نهایت، شکستن پیمان الهی می‌کشاند تا در برابر دستورهای رهبر جامعه اسلامی بایستند و بر طبق میل و سود شخصی خود عمل کنند.

### ۳-۳. نفاق

ویژگی منافقان آن است که به ظاهر و زبان می‌گویند ایمان دارند، اما به واقع ایمان ندارند و همین امر مایه بسیاری از آسیب‌های اخلاقی در جامعه اسلامی زمان پیامبر ﷺ و زمان‌های بعد از آن گردید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ؛ و برخی از مردم می‌گویند ما به خدا و روز بازپسین ایمان آورده‌ایم، ولی مومن نیستند» (بقره، ۸).

مقصود آنان از اظهار ایمان آن است که بر اسرار مسلمانان واقف شده و برای کفار نقل کنند و نیز خود را به پیامبر نزدیک نمایند؛ ولی اینان در واقع ایمان نیاورده بودند: «مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ»، و آنچه به زبان می‌آورند غیر از آن است که در دل دارند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۷۲). منافقان قصد فریب‌دادن و گول‌زدن خدا و افراد باایمان را دارند که قرآن کریم در مورد آنها می‌فرماید جز خودشان را فریب نمی‌دهند: «يَخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ» (بقره، ۹).

فرب‌دادن مؤمنان این‌گونه بود که وقتی آنان را می‌دیدند می‌گفتند ایمان آوردیم تا در مجالس آنان شرکت و اسرارشان را برای دشمنان نقل کنند؛ اگرچه ظاهر عمل خدعه مسلمانان است، ولی در واقع خود را گول می‌زنند؛ زیرا وقتی از ایمان واقعی دور شدند و بر جاده هوس و خواسته‌های نفس رفتند، طبعاً به عذاب و بدبختی سقوط خواهند کرد، ولی آنها از عاقبت عمل خدعه‌آمیز خود خبر ندارند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۷۳).

برخی دیگر از منافقان، تظاهر به اصلاح‌طلبی می‌کنند و خود را مصلح می‌دانند، درحالی‌که اهل فساد هستند: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ؛ و چون به آنان گفته شود در زمین فساد مکنید می‌گویند ما خود اصلاح‌گریم» (بقره، ۱۱).

به‌هوش باشید که آنان فسادگرند لیکن نمی‌فهمند: «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ» (بقره، ۱۲). فساد و آسیب، هنگامی به وجود می‌آید که در نظم اشیا و اعتدال آنها آشوب شود. فساد، در معنای عام، آسیبی است که جامعه را به انحراف می‌کشاند یا کرامت افراد را زیر پا می‌گذارد. فساد، جلوی رشد و بالندگی جامعه را می‌گیرد و مانع هرگونه اصلاح و حرکت روبه‌جلو می‌شود. قرآن کریم به این نکته اشاره دقیق دارد که یکی از ویژگی‌های منافقان فسادورزی است: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا؛ و چون ریاستی یابد (یا برگردد) کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید» (بقره، ۲۰۵).

با این ویژگی، منافق هیچ باوری به رسالت پیامبر ندارد و تنها به وفاداری پیمان الهی تظاهر می‌کند. او در واقع پیمانی را قبول نکرده است و دورنگی‌اش تنها در عرصه عمل و شرایط ویژه آشکار می‌شود؛ از جمله به هنگام عمل به مفاد قراردادها کوتاهی می‌کند و شانه از زیر بار مسئولیت خالی می‌کند. این تجارتنی است که آنان در آن هیچ سودی نمی‌برند، بلکه از راه راست گمراه می‌شوند و هدایت نمی‌یابند (ر.ک: بقره، ۱۶).

زمینه‌های آسیب	متن آیه	نمایه و عنوان
کفر	إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (بقره، ۶)	عدم سودبخشی انذار به کفار
	خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (بقره، ۷)	قلوب، گوش و چشم‌های مهرشده و تاریک
	وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ (بقره، ۲۵۷)	پذیرش ولایت طاغوت خروج از نور به تاریکی
بیماردلی	فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا (بقره، ۱۰)	افزایش بیماری دلی
	ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً (بقره، ۷۴)	قساوت قلب
	وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ (بقره، ۸۸)	قلوب قفل شده قلوب محجوب
نفاق	وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَيَأْتِيهِمْ الْآخِرُ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ (بقره، ۸)	گفتار مزورانه بی‌ایمانی به خدا و رستاخیز
	يَخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ (بقره، ۹)	فريب خويشتن
	وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ (بقره، ۱۱)	فسادورزی با ادعای اصلاح طلبی
	إِلَّا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ (بقره، ۱۲)	فسادورزی
	وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا (بقره، ۲۰۵)	تلاش برای فساد در زمین با تخریب کشت و نسل

#### ۴. آسیب‌شناسی: عهدشکنی، عمده‌ترین آسیب اخلاق اجتماعی در سوره بقره

عهدشکنی یکی از عمده‌ترین آسیب‌های اخلاق اجتماعی است که در سوره بقره از آن سخن به میان آمده است و بیشتر بحث از عهدشکنی یهودیان و بنی‌اسرائیل با خدا و احکام الهی است. گویی طرح این آسیب اخلاقی در اولین سوره مدنی، برای آن است تا به مسلمانان مدینه هشدار دهد که شکستن پیمان چه پیامدهای ناخوشایندی برای بنی‌اسرائیل، ابلیس و آدم و حوا در پی داشته است، تا در زمانی که جامعه اسلامی بیش از هر زمان به پیروی از رهبر الهی نیاز دارد، پیمان‌شکنی نکنند.

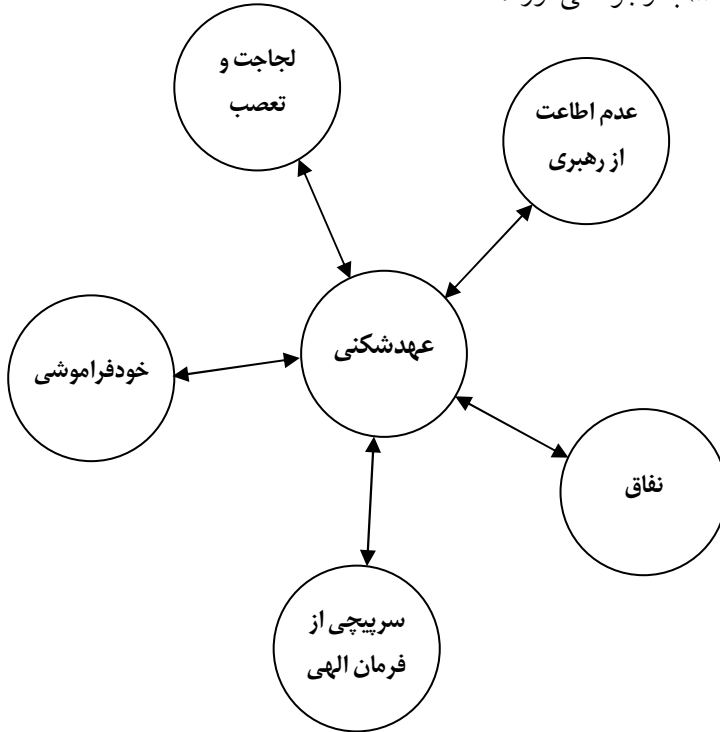
قرآن کریم در آیات مختلف بر پایبندی به عهد و پیمان، سفارش و نقض آن را نکوهش می‌کند. در سوره بقره خدا فاسقان را میثاق‌شکنان معرفی می‌کند: «الَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ... وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ؛ فاسقان کسانی هستند که پیمان خدا را پس از محکم ساختن آن می‌شکنند... و در روی زمین فساد می‌کنند» (بقره، ۲۷).

پیامبر ﷺ نیز با ورود به مدینه، تأکید ویژه‌ای بر وفاداری به عهد دارند؛ تا جایی که در پایان نخستین خطبه در مدینه می‌فرمایند: «خدا از شکستن عهد با او خشمگین می‌شود» (ابن‌هشام، ۱۳۸۳، ج ۲، صص ۳۴۸-۳۴۷). ایشان در سال اول ورود خود به مدینه و برای سامان دادن به آن جامعه و تشکیل دولتی که حقوق همه مردم را تضمین کند، منشور مدینه را با مسلمانان، یهودیان و مسیحیان به امضا رساند (ر.ک: حمیدالله، ۱۳۷۴، ص ۱۶۳).

لذا حفظ نظم مدینه و قدرت دولت پیامبر ﷺ بر اساس وفاداری به میثاق‌ها آغاز شد و پایبندی به آنها از اهمیت بسیاری برخوردار بود. با توجه به این امر، در آیات متعدد در این سوره، خداوند به پیامدهای ناگوار نقض عهد هشدار می‌دهد. در روایات نیز وفاداری یکی از دستوره‌های همه ادیان معرفی شده است. شخصی از امام سجاد علیه السلام پرسید که مرا از همه آموزه‌های دینی آگاه کن؛ امام فرمود: «قول الحق والحکم بالعدل والوفاء بالعهد» (شیخ صدوق، ۱۳۸۲، ص ۱۱۳، ح ۹۰).

نکته مهم در این میان آن است که عهدشکنی، آسیبی اخلاقی بود که چندلایه و دارای ابعاد مختلف بود و به دنبال خود آسیب‌های اخلاقی متعددی را مانند فسق (بقره، ۲۶)، افساد در زمین (بقره، ۲۷، ۶۰، ۲۰۵)، خودفراموشی (بقره، ۴۴)، شرک و گوساله‌پرستی

(بقره، ۵۱، ۹۲)، بهانه‌جویی (بقره، ۷۱-۶۷)، سنگدلی (بقره، ۷۴)، استکبار و سرکشی (بقره، ۸۷) و نفاق (بقره، ۷۶) به وجود می‌آورد.



نمودار: آسیب‌های اخلاقی برآمده از عهدشکنی

خدای متعال در سوره بقره، همه مردم را با خطاب «یا أَيُّهَا النَّاسُ»، به بندگی الهی دعوت می‌کند و سپس اشاره به عهدشکنانی می‌کند که حق عبودیت را به جا نیاوردند یا عهد خویش را با خدا فراموش کردند؛ از جمله:

#### الف. ابلیس، فرد عهدشکن

آیات ۳۹-۳۰ سوره بقره به عهدشکنی ابلیس اشاره می‌کند که او اولین پیمان‌شکن بود: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ؛ و هنگامی که به فرشتگان گفتیم به آدم سجده کنید، سجده کردند، مگر ابلیس که سر پیچید و تکبر ورزید (بقره، ۳۴).

«أَبَى وَاسْتَكْبَرَ»، یعنی از سجده سر باز زد و کبر خود را آشکار کرد، حق را نپذیرفت، به گمان آنکه از آدم برتر و پاک‌تر است و سزاوارتر به ریاست، و از کفار گردید؛ چراکه باور به امر خدا را نپذیرفت (ر.ک: مراغی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۸۸). آیه، فرجام نیک‌ماندن سر پیمان و فرجام بد نقض عهد را یادآور می‌شود (ر.ک: بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۳۸۲).

### ب. آدم و حوا، فراموشی عهد

یکی از دیگر کسانی که می‌توان از رفتار آنان به فراموشی عهد الهی یاد کرد، خانواده آدم و حوا است که در بهشت دارای جایگاهی بلند بودند و دستور داشتند که از درخت ممنوع نخورند (بقره، ۳۵). قرآن کریم، در سوره طه نیز میثاق میان خدا و آدم را یادآور می‌شود و اینکه آدم آن را فراموش کرد: «لَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ؛ و به یقین پیش از این با آدم پیمان بستیم، پس فراموش کرد» (طه، ۱۱۵). اما آنان با فراموشی عهد الهی، از بهشت رانده شدند و این امر با گمراه‌سازی شیطان انجام شد: «فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ؛ پس شیطان هر دو را از آن لغزاند و از آنچه در آن بودند ایشان را به در آورد» (بقره، ۳۶).

از نظر مراغی، این آیه دلالت می‌کند بر اینکه شیطان آدم و حوا را بر لغزش و سوسه کرد (مراغی، ۲۰۰۶م، ج ۱، ص ۹۱) و به خوردن از درخت تشویق کرد؛ از جمله در آیه ۱۲۰ سوره طه «هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مُلْكٍ لَّا يَبُلَىٰ». این لغزش موجب شد تا آنان عهد الهی را فراموش کنند و از بهشت جاودان محروم شوند.

### ج. بنی اسرائیل، جامعه عهدشکن

یکی از مصادیقی که عهدشکنی درباره آنها صدق می‌کند، جامعه بنی اسرائیل است که عمده‌ترین و درس‌آموزترین بحث این سوره است که خداوند به تفصیل میثاق‌های الهی و عهدشکنی آنان را بیان می‌کند؛ قومی لجوج و بهانه‌تراش که برای عدم پذیرش حق به هر چیزی چنگ می‌زدند.

دروزه در تفسیر الحدیث می‌نویسد که سوره بقره، سه گروه از مردم در مواجهه با

دعوت اسلامی را بیان کرده که مؤمنان، کفار مشرک و منافقان بودند. بنی اسرائیل و یهود، از حیث تعداد، گروهی بزرگ، دارای قدمت و صاحب نفوذ بودند، پس حکمت اقتضا می کرد که کلام خداوند به آنان پردازد (ر.ک: دروزه، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۱۶۲) و در آیات، ضمن بیان مطالب مختلف، بر وفاداری به پیمان الهی تأکید می شود. تجربه بنی اسرائیل به تفصیل بیان می شود تا مسلمانان مدینه از زندگی آنان درس آموزند و از آسیب هایی که آنان گرفتارش شدند در امان بمانند.

نقض عهد بنی اسرائیل با پیامبرشان حضرت موسی علیه السلام در آیات زیادی از این سوره بیان شده است؛ از جمله در آیه ۵۱، خداوند می فرماید که در غیبت آن حضرت، یهودیان پیمان قبلی را از یاد بردند و به پرستش گوساله پرداختند: «وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ؛ و آنگاه که با موسی چهل شب قرار گذاشتیم، آنگاه در غیاب وی شما گوساله را [به پرستش] گرفتید» (بقره، ۵۱).

آیات دیگری نیز مانند آیات ۵۱، ۶۳ و ۹۳ به این امر اشاره می کنند. همچنین در آیات ۸۳ و ۸۴ میثاق با بنی اسرائیل بیان می شود که جز خداوند را نپرستند، به پدر و مادر و خویشان، یتیمان و مساکین نیکی ورزند، به مردم گفتار نیک گویند، اقامه نماز کنند و زکات پردازند، اما جز عده کمی همه سرپیچی کردند: «ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ» (بقره، ۸۳)، و در آیه ۸۴ به پیمان شکنی آنان در خون ریزی، و بیرون نکردن یکدیگر از خانه ها اشاره می کند و اینکه «أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَ تَحْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ» (بقره، ۸۴). اینها همه بر ضد پیمانی بود که با خدا بسته بودند. در آیه ۶۴، نقض عهد توسط آنان چنین بیان می شود: «ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ (بقره، ۶۴)؛ سپس شما بعد از آن [پیمان] رویگردان شدید.»

همچنین خدا به پیمان بنی اسرائیل اشاره می کند: «أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا بَدَّهَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ» (بقره، ۱۰۰)؛ و مگر نه این بود که [یهود] هر گاه پیمانی بستند، گروهی از ایشان آن را دور افکندند؟» در آیه ۲۴۹ سوره بقره نیز خداوند اشاره می کند که بنی اسرائیل در جریان نوشیدن آب از رودخانه، عهد خود با طالوت را شکستند.

پس، در آیات متعدد، خداوند خطر عهد شکنی را در قالب جریان بنی اسرائیل برای

مسلمانان مدینه یادآور می‌شود که از اهمیت و اثرگذاری راهبردی برخوردار بوده و می‌توانسته گام آغازین برای استحکام جامعه اسلامی و مهندسی آن باشد. بر اساس این آیات، خدای متعال در فرایند شکل‌گیری جامعه ایمانی، مهم‌ترین اصل را وفاداری به عهد و عدم نقض آن می‌داند و اگر مؤمنان واقعا مدعی تحقق ویژگی‌های متقین هستند که در آیات ابتدایی سوره بقره بیان می‌شود، باید به عهد ایمانی خویش وفا کنند و در همه زندگی از جمله در نظام اقتصادی، خانوادگی، قضایی و سیاسی، بندگی و عبودیت او را بپذیرند و از سرنوشت شیطان، آدم و بنی‌اسرائیل درس بگیرند و اسوه و الگوی آنان، حضرت ابراهیم علیه السلام باشد که بر میثاق خویش با خدا استوار بود و از همه آزمایش‌ها سربلند بیرون آمد (بقره، ۱۲۴).

آسیب: عهدشکنی	متن آیه	نمایه و عنوان
عهدشکنی ابلیس	وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ (بقره، ۳۴).	استکبار و عدم پیروی از خدا
آدم و حوا، فراموشی عهد الهی	«فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ» (بقره، ۳۶).	فراموشی پیمان الهی
عهدشکنی جامعه بنی‌اسرائیل	وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ (بقره، ۵۱).	پرستش غیرخدا
	ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ (بقره، ۶۴).	پشت کردن به پیمان
	وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ... ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ (بقره، ۶۳).	پیمان‌گیری از بنی‌اسرائیل پشت کردن به پیمان
عهدشکنی الهی	أَوْكَلَمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ (بقره، ۱۰۰).	
مخالفت با کتاب الهی	نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ (بقره، ۱۰۱).	



## ۵. راهکارهای مقابله با عهدشکنی در سوره بقره

یکی از اصول مهم تربیتی قرآن کریم آن است که در کنار بیان آسیب‌ها، راهکارهای مقابله با آنها را نیز بیان کرده است. چنین نیست که راهکار را به زمانی دیگر یا سوره‌ای دیگر واگذار کند، زیرا که قرآن درمان‌گر آسیب است و نسخه‌ درمان نیز باید در زمان آسیب‌شناسی بیان شود؛ لذا در سوره بقره، برای درمان آسیب اخلاقی عهدشکنی، راهکارهایی چون یادآوری نعمت‌های الهی (بقره، ۴۰، ۴۷، ۱۲۲)، شکیبایی (بقره، ۱۵۳، ۱۷۷)، اقامه نماز (بقره، ۱۵۳، ۱۷۷) و انفاق (بقره، ۱۹۵، ۲۱۵، ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۴) طرح شده است که در ادامه به برخی از زوایای آنها اشاره می‌شود.

### ۵-۱. تذکر و یادآوری نعمت‌های الهی

یکی از راهکارهای مقابله با نقض عهد، یادآوری نعمت‌های الهی است؛ تذکر یعنی طلب کردن چیزی که از دست رفته است: «التَّذْكَرُ طَلْبُ مَا قَدْ فَاتَ» (فراہیدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۳۴۷). خداوند در سوره بقره به یاد قوم بنی‌اسرائیل می‌آورد؛ میثاق‌هایی که از ایشان گرفت و آنها نقض کردند و گناهانی را که مرتکب شدند، به یادشان می‌اندازد که به خاطر آن مخالفت‌ها چگونه دل‌های‌شان دچار قساوت شد (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۲۷). لذا خداوند خطاب به بنی‌اسرائیل یادآوری نعمت‌ها و وفای به عهد را در کنار هم ذکر می‌کند:

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ؛ ای بنی‌اسرائیل! نعمت‌های مرا که به شما عطا کردم یاد کنید و به پیمانم وفا کنید تا من هم به پیمان شما وفا کنم، و فقط از من بترسید (بقره، ۴۰).

شبهه این مضمون در آیات ۴۷ و ۱۲۲ سوره بقره نیز آمده است. درباره اینکه آنان باید به عهد خدا وفا می‌کردند، وجوهی بیان شده است که یک وجه آن یادآوری نعمت‌ها است. انسان با یادکرد نعمت‌های الهی می‌تواند به عهد الهی وفادار باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۴۹)؛ آن‌چنان که انبیای الهی آمده‌اند تا نعمت الهی را به انسان‌ها یادآور شوند، علی‌السلام فرمود که خدا رسولان الهی را در میان مردم برانگیخت تا نعمت

فراموش شده الهی را به آنان یادآور شوند: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبَاءَهُ... يَذْكُرُوهُمْ مَنْسِي نِعْمَتِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱).

برخی از این نعمت‌ها عبارت بودند از کثرت پیامبران در میان آنان، نازل شدن تورات و زبور بر آنها، آزادی از قید فرعون، رهایی از غرق شدن، فرود آمدن «منّ» و «سلوی» بر آنان، بخشیدن قدرت و سلطنت در دوران سلیمان به آنان و دیگر نعمت‌هایی که همه موجب ایمان و سپاس می‌شود، نه باعث انکار و کفر (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۰۵).

در واقع خداوند به بنی اسرائیل بیان می‌کند که با یادآوری نعمت‌ها، قدر آنها را بدانند و از نقض عهد که همانا کفران نعمت است دوری کنند. به تعبیر علی ع: «أَقْلُ مَا يَلْزَمُكُمْ لِلَّهِ إِلَّا تَشْتَعِينُوا بِنِعْمِهِ عَلَى مَعْاصِيهِ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۰)، کمترین حق خدا بر شما این است که از نعمت‌هایش در راه نافرمانی‌اش یاری نخواهید. از حیث روانی و تربیتی، وقتی انسان نعمت‌های الهی را به یاد آورد امکان دارد که در برابر بخشنده آنها خاشع شود و عهدشکنی نکند.

## ۲-۵. تقوا و خداترسی

سوره بقره، قرآن کریم را کتابی برای هدایت متقین معرفی می‌کند (بقره، ۲) و اینکه آنان در مسیر هدایت هستند: «أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ» (بقره، ۵)، و در آیات ۲۱، ۶۳، و ۱۷۹ بحث از امید به تقوا است: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»، آن‌چنان که آیه ۱۸۳ هدف از روزه را تقوا معرفی می‌کند. خداوند در آیات متعددی از جمله ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۰۳، ۲۲۳، ۲۳۱، ۲۷۸، ۲۸۱، و ۲۸۲، امر به تقوا و پرهیزکاری می‌کند. تقوا در اموری چون وفای به عهد جلوه‌گر می‌شود و از مهم‌ترین نشانه‌های آن است. خداوند در آیه ۱۷۷ سوره بقره، یکی از ویژگی‌های کسانی که ایمان آورده‌اند را وفای به عهد می‌نامد و آن را در کنار صفات مهمی چون برپایی نماز، دادن زکات و صدقه و صبر و شکیبایی معرفی می‌کند (بقره، ۱۷۷) و در آخر، این‌گونه افراد را از متقین معرفی می‌کند: «وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره، ۱۷۷).

خداوند در آیه‌ای دیگر خطاب به مسلمانان تأکید می‌کند که به آنچه تاکنون نازل

شده باور داشته باشند و بر ایمان خود پایدار باشند و پرهیزکاری پیشه کنند: «وَأَمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ... وَإِيَّاي فَاتَّقُونِ» (بقره، ۴۱).

در مجمع البحرین آمده است که «اتقاء» به معنی دوری از چیزی است که هوای انسان به آن فرامی خواند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۴۹). «اتقاء» به معنی اختیار کردن تقوی و خودداری است و خودداری، شامل هر رقم از حفظ و نگهداری خود از افراط و تفریط و تجاوز از حق است (مصطفوی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۳۸۶)، و به معنی برگرفتن و تدارک وسیله‌ای برای محافظت از چیزی خطرناک و هولناک (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۳۰)؛ همان طور که بهترین توشه نیز تقوا است: «وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» (بقره، ۱۹۷).

مهم آن است که با پرهیزکاری و خداترسی، مسلمان واقعی حاضر نمی‌شود پیمان خویش را با رهبر جامعه اسلامی بگسلد و از آرمان و ارزش‌های خویش بگذرد. «تقوا برترین توشه است، زیرا پس از مرگ برای انسان باقی می‌ماند و آن را نزد خداوند حاضر می‌یابد» (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۰۵). به هر حال، عهدشکنی اقسامی دارد: گاه پیمان خدا شکسته می‌شود (بقره، ۲۷) و گاه پیمان با مردم (بقره، ۱۷۷)؛ هر کدام که باشد یکی از راهکارهای مهم و فراگیر برای مبارزه با آن، خداترسی است که در همه احوال و عرصه‌ها یاور انسان است و او را از بد اخلاقی بازمی‌دارد. انسانی که مهار درونی داشته باشد و این مهار به زندگی سیاسی-اجتماعی او وارد شود، به پیمان‌های خود با انبیای الهی وفادار می‌ماند و رفتارهای خود را بر اساس آن تنظیم می‌کند.

### ۳-۵. صبر و نماز

صبر و نماز دو راهکار جدی هستند که در کنار هم در سوره بقره طرح شده‌اند. صبر، عاملی برای تقویت درونی و پایداری بر پیمان، و نماز عاملی برای ارتباط با خداوند و تقویت ایمان است تا انسان عهدشکنی نکند. لذا این دو، سرآغازی برای بسیاری از کمالات هستند و در سوره بقره، خدای متعال، از مؤمنان می‌خواهد تا در این مسیر از آن یاری جویند: «وَأَشْتَعِبُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (بقره، ۴۵). همین مفهوم و همراهی آن دو آموزه، در آیه ۱۵۳ سوره بقره نیز آمده است.

یاری از صبر و نماز، دو راه باقی ماندن بر پیمان است. صبر باعث می شود تا انسان در عرصه اجتماعی پای حق بایستد و نماز پیمان بندگی است که موجب می شود انسان پای احکام بندگی مقاوم باشد. در خصوص صبر، می توان به آیه ۲۱۶ سوره بقره اشاره کرد که در پی ایجاد معیار برای ایمان و پایداری بر آن است و آن، تشریح جهاد به عنوان یکی از نمونه های عملی صبر است: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ؛ حکم جهاد بر شما مقرر گردید و حال آنکه بر شما ناگوار است» (بقره، ۲۱۶).

ملائک ایمان، در کنار نماز و یاد خدا، پایداری برخلاف خواسته ها است و اینکه مؤمن به فرمان رهبر خود و پیامبر اسلام ﷺ گردن گذارد.

حق، محور رفتار انسان پیرو رسالت و امت مؤمن است، نه در دوستی و دشمنی صرف، زیرا که حق به انسان سود می بخشد و باطل زیان می زند. آنان به واسطه شهوتی که عمل آنان را زیبا جلوه می دهد، مطالب نادرست را حق می انگارند (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۷۵).

در این آیه خدای متعال بیان می کند که چه بسا برخی از مسلمانان کراهت داشتند که به جهاد بروند، در حالی که به نفع آنان و به سود جامعه اسلامی بود و کسانی که از ایمانی استوارتر و شکیبایی بیشتر برخوردار بودند، بر عهد خویش باقی می ماندند؛ بنابراین معیار باقی ماندن بر پیمان آن است که مسلمانان کراهت شخصی را موجب ناپایداری بر پیمان ها قرار ندهند و صبر پیشه کنند.

#### ۴-۵. انفاق مال

یکی از راهکارهایی که قرآن کریم برای جامعه بنی اسرائیل بیان می کند، در کنار ایمان به خدا و روز واپسین و برپایی نماز، بخشش اموال و زکات دادن است. کسی که حاضر باشد مال خود را در راه خدا ببخشد، وفاداری بیشتری در قبال تعهدات خویش خواهد داشت و ممکن است پیمان خود را به سادگی نشکند. در آیه ۱۷۷ بقره، چند نیکی مانند ایمان به خدا و روز واپسین، باور به فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران، بخشش مال به خویشاوندان، یتیمان، بینوایان، در راه ماندگان و گدایان، برپایی نماز و

پرداخت زکات ذکر می‌شود و سپس وفاداری به پیمان، یکی از مصادیق نیکی یاد می‌شود: «الْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا» (بقره، ۱۷۷).

خداوند از آنان به‌عنوان صادقان نام می‌برد: «أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا» (بقره، ۱۷۷). این امر برای آن است که افراد صادق، به‌معنی دقیق کلمه، حرف و عمل و ظاهر و باطن‌شان یکی است و لذا عهدشکنی نمی‌کنند و نفاق نمی‌ورزند. این آیه جامع‌ترین آیه قرآن است؛ زیرا اصول مهم اعتقادی، عملی و اخلاقی در آن مطرح گردیده است. این آیه پانزده صفت نیک را در سه بخشی ایمان، عمل و اخلاق بیان نموده است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۶۹).

در تفسیر المیزان آمده است که در این آیه، خداوند در بیان حالات و تعریف ابرار، مراتب سه‌گانه باورها، رفتارها و اخلاق آنان را به‌ترتیب در «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ»، سپس «أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا» و بعد با «وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» بیان می‌کند و مراد از ایمان، ایمان کاملی است که از اثرش تخلف نمی‌کند؛ نه در قلب با عارض شدن شک، اضطراب، اعتراض یا خشم در امور ناگوار از اثر خود تخلف می‌کند و نه در اخلاق و عمل. عهد در آیه مطلق است و دربردارنده همه وعده‌های انسان و هر آنچه که می‌گوید می‌شود؛ زیرا التزام به ایمان و لوازم آن وابسته به زمانی خاص نیست (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، صص ۴۲۸-۴۲۹)؛ به‌هر حال در این آیه دو بار از انفاق و بخشش اموال سخن به میان آمده است: یک بار بحث از احسان و بخشندگی است و بار دیگر از زکات به‌عنوان امر واجب و در کنار آنها، وفای به عهد بیان شده است.

## ۶. بازسازی جامعه مطلوب اسلامی در سوره بقره

یکی از مراحل عمده و اساسی در نظریه بحران، توجه به جامعه مطلوب و آرمانی است. پس از آنکه طراح جامعه اسلامی در مدینه بر اساس آیات الهی، به زمینه‌ها، آسیب‌ها و راهکارهای اخلاقی می‌پردازد، طبیعی است که آنان را به سوی جامعه‌ای مطلوب هدایت کند. این هدایت‌گری می‌تواند الهام‌بخش مسلمانان و انگیزه‌آفرین برای آنان باشد تا به سوی مقصد نهایی خویش حرکت کنند.

سوره بقره، در آغاز شکل‌گیری جامعه اسلامی مدینه، همراه با مقدمه‌چینی‌های

هدف‌دار است تا گام به گام جامعه را به سوی مطلوب هدایت کند. این راه‌بری همراه با تقویت باور به وحدانیت الهی است که پیامدهای سیاسی-اجتماعی نیز دارد. پس از اصل توحید، با تأکید بر تزکیه فردی و تعلیم اخلاق اجتماعی و آسیب‌شناسی آن، تلاش می‌شود تا در فرایندی سنجیده و زنجیروار، جامعه را به سوی سعادت سوق دهد؛ لذا در آیه ۱۲۹ این سوره، بر بعثت، تلاوت آیات، تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه تأکید می‌شود: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ» (بقره، ۱۲۹).

فخر رازی می‌نویسد که کمال انسان در دو امر است؛ یکی آنکه حق را صرفاً برای شناخت بشناسد و دوم آن که خیر را برای عمل به آن بشناسد؛ پس اگر به هر کدام از این دو اخلاقی وارد شود، از پستی‌ها و کاستی‌ها پاک نمی‌گردد (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۵۸). آن‌چه در دعای ابراهیم عليه السلام وارد شده است، درخواستی است تا در نسل او پاکی و علم به کتاب و حکمت را قرار دهد و در مرحله تحقق و اتصاف، علوم و معارف از حیث رتبه و درجه، بر پاکی روح که به اعمال و اخلاق برمی‌گردد، مقدم است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۲۶۵)؛ آن‌سان که تا علم حاصل نشود تزکیه به دست نمی‌آید؛ همچنان که در آیه ۱۵۱ نیز تکرار می‌شود که پیام‌آوری در میان شما از خودتان فرستادیم که آیات الهی را برای شما می‌خواند، شما را پاک می‌گرداند، حکمت می‌آموزد و آنچه را که نمی‌دانستید و به شما یاد می‌دهد: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۵۱).

در جریان شکل‌گیری جامعه اسلامی، از قرآن کریم حداکثر بهره‌برداری در هدف‌گذاری و تعیین خط‌مشی کلی جامعه در دستیابی به اهداف جامعه اسلامی و مهندسی آن صورت می‌گیرد. قرآن کریم به ما می‌آموزد برای مهندسی یک جامعه اسلامی، باید بر دو چیز تکیه کرد: شعور و آگاهی مردم (چون تلاوت آیات و تعلیم کتاب و حکمت ناظر به این بعد است)، و خودسازی و پاک‌سازی درونی مردم از رذایل نفسانی. از منطبق قرآن کریم درمی‌یابیم که اولاً ساختن یک جامعه آرمانی با تکیه به زور امکان‌پذیر نیست، ثانیاً آگاهی به تنهایی کافی نیست، چون بسیاری از اشتباهات انسان ناشی از جهل نیست، بلکه ناشی از غلبه هوس و رذایل نفسانی بر عقل و شعور است (ر.ک: خاکبان، ۱۳۸۸، ص ۱۵، ۱۶).

در همین راستا بخشی از توصیف جامعه مطلوب را خدای متعال در قرآن کریم در آیه ۲۹ سوره فتح در وصف پیامبر اکرم ﷺ و یارانش می‌فرماید:

وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ؛ و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد (فتح، ۲۹).

خدای منان در این آیه، امت اسلامی را همانند زراعتی توصیف می‌کند که در گام اول رشد دانه‌ای دارد، تا آنکه پس از مدتی دو برگ نازک و ضعیف از دل خاک بیرون می‌دهد: «اَخْرَجَ شَطْأَهُ». سپس در گام دوم قدمی می‌کشد و پهن می‌شود: «فَآزَرَهُ»، در مرحله بعد با شاخه‌درشاخه شدن، غلظت و قوت می‌یابد: «فَاسْتَغْلَظَ»، تقویت می‌شود و قدمی می‌کشد تا در نهایت ساقه چنان قوی می‌شود که سر پای خود می‌ایستد: «فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ» (بهجت پور، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۵۲۱). در این مرحله، توانمندی جامعه مدینه به قدری است که مستقل شده و بی‌نیاز از غیر می‌شود. در همین روال، گویی جامعه اسلامی، در مکه تا سوره حجر (سوره ۵۴ نزول) جوانه زده است و با سوره‌های پس از آن تا سوره مطففین، قدم کشیده و ساقه زده است، با وجود مشکلات از مکه به مدینه هجرت کرده است و در مدینه، با شکل‌گیری دولت پیامبر ﷺ و شکل‌دهی به نظام‌ها و احکام، زمینه‌های استقلال و استقرار آن فراهم شده و تقویت و تنومند گردیده است (از سوره بقره تا سوره فتح: ۱۱۲ نزول) و اوج رشد خود را در سال‌های پایانی عمر ایشان تجربه می‌کند که زمینه‌های تداوم پیام و مسیر آن حضرت را فراهم می‌سازد. در جامعه ایمانی، زمینه عملی و ساخت نظام‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شکل می‌گیرد و این ممکن نمی‌شود مگر اینکه مسلمانان بر سر پیمان‌ها بمانند و ایستادگی کنند. لذا در ابتدای سوره بقره، تقسیم‌بندی جامعه انجام می‌شود و سپس برخی پیمان‌شکنان همچون ابلیس و بنی اسرائیل معرفی می‌شوند و اینکه جامعه ایمانی مدینه باید مراقب باشد تا گرفتار آسیب‌هایی نشود که بنی اسرائیل به آنها دچار شد.

در راستای دستیابی به جامعه مطلوب اسلامی، خداوند در اول سوره بقره برای متقین شش ویژگی معرفی می‌کند تا از دیگران متمایز شوند و به سوی جامعه مطلوب و

سعادت حرکت می‌کند. متقین این جامعه به غیب باور دارند: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»، اقامه نماز می‌کنند: «وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ»، و از آنچه خدا روزی‌شان کرده انفاق می‌کنند: «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره، ۳)، به آنچه که بر پیامبر اسلام ﷺ: «يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ» و پیامبران پیشین نازل شده: «وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ»، و روز رستخیز ایمان دارند: «وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (بقره، ۴)، گویی همه دستورها و ارزش‌های یادشده برای آن است تا جامعه اسلامی به سوی تقوی و هدف عالی خود حرکت کند و رفتار مردم بر اساس آنها تنظیم و نهادینه گردد و به تدریج از فسادها و آشفته‌گی‌های اخلاقی و اجتماعی جاهلیت فاصله گیرد. این ساخت‌گام‌به‌گام در قرآن کریم در جهت جامعه مطلوب شکل می‌گیرد تا بتواند انسان را در مسیر رشد و تعالی ارزش‌ها و باورهای اعتقادی و اخلاقی سوق دهد و جامعه‌ای ساخته شود که اخلاق دغدغه جدی آن باشد و در هیچ حالت و به هیچ بهانه‌ای، آموزه‌ها و دستورهای آن نادیده گرفته نشود. انسان ارزش‌مدار زمانی متولد می‌شود که اخلاق برای او جدی باشد. نتیجه‌گیری

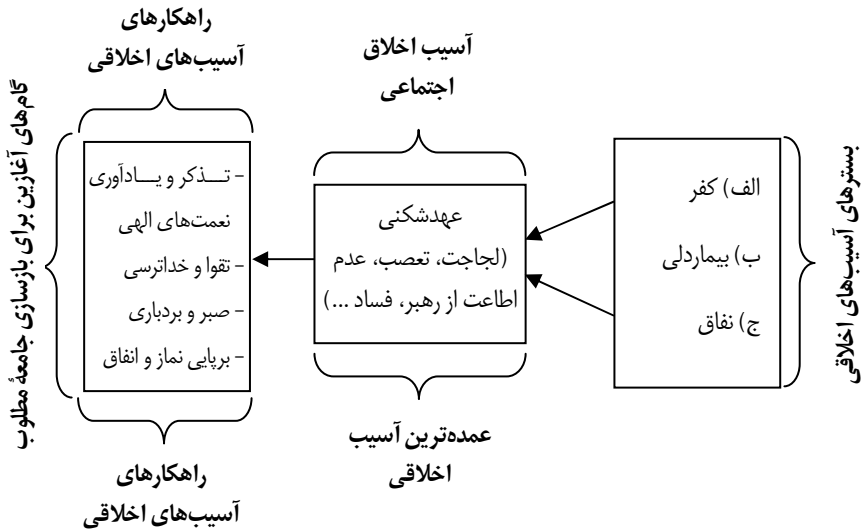
همان‌گونه که ذکر شد، رسول خدا ﷺ - بر اساس سوره بقره - تلاش کرد جامعه اسلامی مدینه را پایه‌گذاری کند، مردم را با برخی از مهم‌ترین احکام آشنا کرد و ضمن آسیب‌شناسی رفتار متدینان گذشته از جمله ابلیس و اهل کتاب، برای پایداری بر کلیت و هویت واحد دینی و اسلامی، مردم را راهنمایی کرد و درباره هر گونه نقض پیمان و تفکیک بین احکام و برخورد گزینشی آنها نیز هشدار داد.

واقعیت آن است که هر اجتماعی، چه در حالت شکل‌گیری و استقرار، و چه در حالت تکمیل و تدبیر، برای استمرار حرکت با چالش‌هایی اخلاقی مواجه می‌شود که مانع روند پیشرفت جامعه و تداوم حرکت تکاملی آن می‌شود. خدای متعال در سوره بقره که در آغازین سال‌های حضور دولت اسلامی در مدینه نازل شده، آسیب‌هایی را که ممکن است جامعه گرفتار آن شود به جامعه معرفی می‌کند و پیامبر اسلام ﷺ با آگاهی‌بخشی، مسلمانان را از آنان دور می‌کند.

در فرایند شکل‌گیری و بازسازی اخلاق اجتماعی در مدینه، آنچه که پیامبر گرامی



اسلام ﷺ انجام داد، تلاش برای گذر از جامعه جاہلی بہ جامعه اسلامی بود. جلوہ و مظهر این امور در آیات قرآن کریم بود کہ خداوند آسیب‌های اخلاقی جامعه صدر اسلام را بیان می‌کند و در کنار آن راه‌حل‌هایی ذکر می‌شود تا از فساد نجات پیدا کند. ہر جامعه‌ای برای نیل بہ سعادت و کمال با مجموعه‌ای از آسیب‌ها مواجه می‌شود کہ باید با بصیرت و آگاهی آنها را شناسایی کرد و برای رهایی از آنها راهکارهایی در نظر گرفت. آسیب‌یابی و آسیب‌شناسی اخلاق اجتماعی در سورہ بقرہ، نشان از زمینہ‌هایی مانند نفاق، کفر و بیمار دلی دارد و آسیب عمده‌ای مانند عهد شکنی، موجب بروز آسیب‌هایی دیگر مانند فسق، فسادورزی، خود فراموشی، شرک و گوسالہ پرستی، بہانہ جویی، سنگ‌دلی، نفاق، استکبار و سرکشی می‌شود و راهکارهایی چون یادآوری نعمت‌های الہی، شکیبایی و اقامہ نماز و انفاق را طرح کرده است.



نمودار زمینہ، آسیب و راهکار در سورہ بقرہ

## فهرست منابع

\* قرآن کریم.

\*\* نهج البلاغه (مترجم: سیدعلینقی فیض الاسلام). تهران: انتشارات فیض الاسلام.

۱. ابن منظور. (۱۴۱۶ق). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. اسپریگنز، توماس. (۱۳۸۹). فهم نظریه‌های سیاسی (مترجم: فرهنگ رجایی). تهران: نشر آگه.
۳. بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۰). همگام با وحی: تفسیر تنزیلی به ترتیب نزول. قم: مؤسسه تمهید.
۴. بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۷). نفوذی‌ها (چاپ اول). قم: مؤسسه تمهید.
۵. بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۴). شناخت‌نامه تنزیلی سوره‌های قرآن کریم (چاپ اول). قم: مؤسسه تمهید.
۶. حمیدالله، محمد. (۱۳۷۴). نامه‌ها و پیمان‌نامه‌های سیاسی حضرت محمد ﷺ و اسناد اسلام (مترجم: سیدمحمد حسینی). تهران: انتشارات سروش.
۷. ابن هشام. (۱۳۸۳). السیره النبویه (محقق: عبدالحمید). قاهره: مکتبه محمد علی صبیح و اولاده.
۸. خاکبان، سلیمان. (۱۳۸۸). قرآن کریم و مهندسی اجتماعی. فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآنی، ۱(۳)، صص ۷-۱۷.
۹. دروزه، محمد عزه. (۱۴۱۲ق). التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول (چاپ دوم). بیروت: دار الغرب الإسلامی.
۱۰. رازی، فخرالدین. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب (چاپ سوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. شیخ صدوق، علی بن قمی. (۱۳۸۲). علل الشرایع (چاپ سوم). قم: نشر مؤمنین.
۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی التفسیر القرآن (مترجم: سیدمحمدباقر موسوی همدانی). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، دفتر انتشارات اسلامی.

۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰). المیزان فی التفسیر القرآن (چاپ دوم). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (چاپ سوم). تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۵. طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). العین. قم: انتشارات هجرت.
۱۷. فضل الله، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۹ق). تفسیر من وحی القرآن (چاپ دوم). بیروت: دار الملائک للطباعه و النشر.
۱۸. قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). تفسیر نور (چاپ اول). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۹. مدرسی، محمدتقی. (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن (چاپ اول). تهران: دار محبی الحسین.
۲۰. مراغی، احمد مصطفی. (۲۰۰۶م). تفسیر المراغی (چاپ دوم). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۱. مساواتی آذر، مجید. (۱۳۸۱). آسیب‌شناسی اجتماعی ایران. تبریز: انتشارات نوبل.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۳. مصطفوی، حسن. (۱۳۷۵). التحقیق فی کلمات القرآن. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۴. مغنیه، محمدجواد. (۱۳۷۸). تفسیر کاشف (مترجم: موسی دانش). قم: بوستان کتاب.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (چاپ دهم). تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۶). تفسیر راهنما (چاپ اول). قم: بوستان کتاب.

## References

\* The Holy Quran.

\*\* *Nahj al-Balaghah* (S. A. N. Feiz al-Islam, Trans.). Tehran: Feiz al-Islam Publications.

1. Behjatpour, A. (1390 AP). *Synchronous with revelation: Discount interpretation in descending order*. Qom: Tamhid Institute. [In Persian]
2. Behjatpour, A. (1394 AP). *Descending identification of Surahs of the Holy Quran* (1<sup>st</sup> ed.). Qom: Tamhid Institute. [In Persian]
3. Behjatpour, A. (1397 AP). *Influences* (1<sup>st</sup> ed.). Qom: Tamhid Institute. [In Persian]
4. Daruzeh, M. A. (1412 AH). *Interpretation of Hadith: Arrangement of Sur according to Revelation* (2<sup>nd</sup> ed.). Beirut: Dar al-Gharb al-Islami. [In Arabic]
5. Farahidi, K. (1410 AH). *Al-Ain*. Qom: Hijrat Publications. [In Arabic]
6. Fazlullah, S. M. H. (1419 AH). *Interpretation of the revelation of the Qur'an* (2<sup>nd</sup> ed.). Beirut: Dar al-Milak le al-Taba'ah va al-Nashr. [In Arabic]
7. Hamidullah, M. (1374 AP). *Letters and political treaties of Hazrat Mohammad / And the documents of Islam* (S. M. Hosseini, Trans.). Tehran: Soroush Publications. [In Persian]
8. Hashemi Rafsanjani, A. (1386 AP). *Tafsir Rahnama*. (1<sup>st</sup> ed.). Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
9. Ibn Hosham, (1383 AP). *al-Sirah al-Nabaviah*. (Abdul Hamid, Ed.). Cairo: Maktabah Mohammad Ali Sabih va Awladah. [In Persian]
10. Ibn Manzour. (1416 AH). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar Al-Ihya Al-Torath Al-Arabi. [In Arabic]
11. Khakban, S. (1388 AP). The Holy Quran and Social Engineering. *Quarterly Journal of Quranic Interdisciplinary Research*, 1(3), pp. 7-17. [In Persian]
12. Makarem Shirazi, N. (1371 AP). *Tafsir Nemouneh*. (10<sup>th</sup> ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Persian]
13. Maraghi, A. (2006). *Tafsir al-Maraghi*. (2<sup>nd</sup> ed.). Beirut: Dar Al-Kotob Al-Ilmiyeh.
14. Mesbah Yazdi, M. T. (1377 AP). *Ethics in the Quran*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications. [In Persian]

15. Modaresi, M. T. (1419 AH). *From the guidance of the Qur'an* (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Dar Mohebbi Al-Hussein. [In Arabic]
16. Mosawati Azar, M. (1381 AP). *Social pathology of Iran*. Tabriz: Nobel Publications. [In Persian]
17. Mughniyeh, M. J. (1378 AP). *Tafsir Kashif* (M. Danesh, Trans.). Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
18. Mustafavi, H. (1375 AP). *al-Tahqiq fi Kalamat al-Qur'an*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
19. Qara'ati, M. (1388 AP). *Tafsir Nour*. (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Cultural Center for Quranic lessons. [In Persian]
20. Razi, F. (1420 AH). *Mafatih al-Qaib*. (3<sup>rd</sup> ed.). Beirut: Dar Al-Ihya Al-Torath Al-Arabi. [In Arabic]
21. Sheikh Saduq, A. (1382 AP). *Ilal al-Shara'e*. (3<sup>rd</sup> ed.). Qom: Mu'menin Publication. [In Persian]
22. Sprigens, Thomas. (1389 AP). *Understanding political theories*. (F. Raja'ei, Trans.). Tehran: Agah Publications. [In Persian]
23. Tabarsi, F. (1372 AP). *Majma'a al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. (3<sup>rd</sup> ed.). Tehran: Nasser Khosrow Publications. [In Persian]
24. Tabatabaei, S. M. H. (1374 AP). *Al-Mizan Fi Al-Tafsir Al-Quran* (S. M. B. Mousavi Hamedani, Trans.). Qom: Seminary Teachers Association, Islamic Publications Office. [In Persian]
25. Tabatabaei, S. M. H. (1390 AP). *Al-mizan fi al-Tafsir al-Qur'an*. (2<sup>nd</sup> ed.). Beirut: Mu'asisah al-A'alami le Matbu'at. [In Persian]
26. Tarihi, F. (1375 AP). *Majam'a al-Bahrain*. Tehran: Mortazavi Bookstore. [In Persian]